



تأثیر رضایت در مرگ از روی ترحم (آتانازی) از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری ایران

حلیمه کشکولی^۱
مریم صفایی^{۲*}

چکیده

آتانازی یا مرگ از روی ترحم به معنای اقدام به کشتن، اجازه مرگ یا مساعدت به مرگ شخصی که مبتلا به بیماری غیرقابل درمان است، آمده است. در زبان فارسی برای این عنوان تعبیر مرگ راحت مرگ آسان، بیمارکشی با ترحم، قتل از روی ترحم یعنی قتل ترحم‌آمیز بیان شده است. آتانازی دو نوع است که عبارتند از؛ آتانازی فعال و غیرفعال؛ انجام اقداماتی مانند تزریق آمپول مهلک کلرید پتاسیم و غیره به فرد بیمار تا او جان خود را از دست دهد، آتانازی فعال گفته می‌شود و آتانازی غیر فعال به معنای قطع مراحل دارو، درمان و عمل جراحی و غیره فرد بیمار است تا او به طور طبیعی جان خود را از دست دهد. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به تأثیر رضایت مجنی‌علیه در سقوط قصاص از منظر فقه مذاهب اسلامی با روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی در پی آن است تا مشخص نماید که تأثیر رضایت مجنی‌علیه و اظهار تمایل قربانی جرم به ارتکاب عمل مجرمانه علیه او یا عفو مرتکب از سوی وی، پس از وقوع جنایت یا پس از تحقق نتیجه آن تا چه میزان تأثیر دارد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که از نظر دینی به دلایل عدم مالکیت انسان نسبت به جسم و روح خود و حرمت شدید قتل خود و دیگران چه از نظر آیات و روایات و چه از نظر عقلی و اخلاقی و انحصار تصمیم‌گیری در مورد مرگ و زندگی انسانها فقط برای ذات پروردگار و عدم قابلیت درد و رنج به عنوان مجوز شرعی و اخلاقی مرگ و خروج از مسیر طبیعی مرگ و مفاسد و سوء استفاده‌های ناشی از آتانازی، این کار حرام است، اما اگر چه این رضایت در سلب وصف کیفری فعل جانی بدون تأثیر است، ولی می‌تواند مانع ثبوت حق قصاص گردد.

واژگان کلیدی: تأثیر رضایت، آتانازی، مرگ از روی ترحم، به مرگی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران.

^۲ استادیار گروه جزا و جرم‌شناسی، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران (نویسنده مسئول).



مقدمه

به مرگی یا قتل از روی ترحم، یکی از مسائل محوری اخلاق زیستی است که مورد نقض و ابرام فراوان واقع شده است. اتانازی داوطلبانه‌ی فعال یکی از گونه‌های اتانازی و هم‌چنین یکی از مسائل مستحدثه‌ی فقه و حقوق پزشکی است که ماهیت آن قتل عمد بیمار، در نتیجه‌ی اذن متضمن ابراء وی می‌باشد. در این باره در فقه کیفری اسلام دو نظر عمده وجود دارد که غالباً بر اذن مقتول و شرایط آن تکیه دارند؛ اشهر این اقوال، قول به سقوط قصاص از قاتل و قول دیگر ثبوت قصاص بر ذمه‌ی وی می‌باشد. در این پژوهش بعد از تبیین جایگاه اذن در مشروعیت اتانازی داوطلبانه‌ی فعال، در عرصه نظر، قول ثبوت قصاص و در عرصه عمل برای رعایت احتیاط، قول مصالحه به دیه برگزیده شده است.

در آغاز این مقاله با مفهوم به‌مرگی و انواع آن آشنا می‌شویم و سپس مؤلفه‌های اصلی و عناصر تشکیل دهنده آن معرفی می‌گردد. پس از آن، دلایل موافقان و مخالفان اتانازی و تاثیر رضایت در آن تبیین می‌گردد. در نتیجه نوع خاصی از به‌مرگی که با خواست و اراده شخص همراه است و به صورت فعال صورت می‌گیرد، با اصول اخلاقی سازگار نیست و توجیه اخلاقی ندارد و اگر چه این رضایت در سلب وصف کیفری فعل جانی بدون تأثیر است، ولی می‌تواند مانع ثبوت حق قصاص گردد. لذا تحقیق پیش‌رو، توصیفی-تحلیلی، و روش گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل منابع موجود و با امعان نظر از فقها و حقوق دانان، موضوع را تبیین و تشریح نماید؛ ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری، بانک‌های اطلاعاتی، شبکه‌های کامپیوتری و استفاده از نرم افزارهای تخصصی می‌باشد.

۱- مفهوم شناسی

در ابتدای پژوهش قصد داریم تا در ارتباط با مفهوم رضایت جهت سنجش تاثیر آن در اتانازی مطالبی را بیان و تبیین و تشریح نماییم.

۱-۱ مفهوم رضایت

رضایت در لغت به معنی خشنودی و اجازه و رخصت آمده است (دهخدا، ۱۳۶۱ش، ص ۳۱۷). رضایت مصدر فعل رضا، حاصل فعل و انفعالات روحی و روانی شخص است و به معانی مختلفی از جمله موافقت، خشنودی، اختیار و طیب به کار می‌رود. برخی نیز آن را اشتیاق و میل به انجام یا ایجاد امری دانسته‌اند. از نظر حقوقی، رضایت به اشتیاق فرد بر انجام عمل حقوقی اطلاق می‌شود. همچنین رضایت بزه دیده عبارتست از تمایل باطنی و موافقت قلبی بر تحقق امری پس از تصور و تصدیق منفعت آن. و یا تمایل قلبی و موافقت بزه‌دیده به اینکه تعرضی برخلاف قانون علیه حقوق و آزادی‌های او انجام گیرد (اردبیلی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۸۸). رضایت در اصطلاح حقوق جزا عبارت است از این که قربانی جرم یا مجنی علیه قبل از وقوع جرم و مقارن



آن به ارتکاب بزه بر روی خود تمایل داشته باشد و یا به عبارت دیگر قربانی جرم راضی بر این باشد که جرمی علیه او صورت گیرد. اما در اصطلاح شرع؛ میل قلب است به طرف یک عمل حقوقی که سابقاً انجام شده است یا اکنون می شود و یا بعداً واقع خواهد شد. و مراد از رضایت آگاهانه در این مقاله رضایتی است که در پی ارائه یک سلسله اطلاعات و آگاهی‌های خاص به بیمار، راجع به نوع درمان، آزمایش، پیامدهای اقتصادی و صدمات جسمانی آنها به بیمار حاصل می گردد. یکی از نویسندگان رضایت مریض را چنین تعریف کرده که؛ رضایت بیمار یا مجنی علیه یعنی تمایل قلبی و موافقت مجنی علیه به اینکه تعرض بر خلاف قانون، علیه حقوق آزادی‌های او انجام گیرد (اردبیلی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۴۰). فرق میان اذن و رضا از این نظر است که اذن در جایی می‌گویند که شخص رضایت باطنی خویش را آشکار کند، ولی رضایت اعم از آن است، و به معنی ملایمت طبع با انجام کار یا چیزی است، و از آنجا که گاه کسی اذنی می‌دهد در حالی که رضایت قلبی ندارد در برخی از آیات برای تاکید بعد از اذن مساله رضا نیز آمده است، هر چند در مورد خداوند متعال اذن از رضا جدا نیست و تقیه در باره او معنی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ص ۵۲۷).

۱-۲ مفهوم آتانازی

در این قسمت از پژوهش قصد داریم تا در ارتباط با تعریف آتانازی در لغت و اصطلاح مطالبی را بیان نموده و به تبیین و تشریح آن بپردازیم.

۱-۲-۱ تعریف آتانازی

آتانازی به معنای اقدام به کشتن، اجازه مرگ یا مساعدت به مرگ شخصی که مبتلا به بیماری غیر قابل درمان است، آمده است. آتانازی که ریشه در زبان یونانی دارد مرکب است از دو کلمه یونانی (eu) به معنای خوب (thenatos) به معنای مرگ، در نتیجه به معنای مرگ خوب و آسان می‌باشد. در زبان فارسی برای این عنوان تعبیر مرگ راحت، مرگ آسان، بیمارکشی با ترحم، قتل از روی ترحم یعنی قتل ترحم آمیز بیان شده است (حسینی طبیب، ۱۴۰۰ ش، ص ۸۱). بنابراین، «قتل از روی ترحم» عبارت از نوعی قتل نفس است که با درخواست و تقاضا یا موافقت و رضایت مقتول (مجنی علیه) توسط قاتلی که دارای انگیزه رحم یا شفقت یا انسان دوستی است، انجام می‌گیرد. بنابراین در قتل از روی ترحم مقتول (مجنی علیه) قصد کشتن خود را دارد، اما عمل کشتن توسط فرد دیگری انجام می‌گیرد. به این ترتیب باید گفت در این نوع قتل، مقتول دارای عنصر روانی قتل (قصد کشتن) است؛ اما عنصر مادی (عمل کشتن) توسط او انجام نمی‌شود، بلکه توسط فرد دیگری صورت می‌گیرد که دارای انگیزه شفقت یا رحم یا انسان دوستی بوده و داعی خیرخواهانه دارد. در واقع می‌توان گفت در قتل از روی ترحم، مقتول در قتل خود معاونت می‌کند؛ به این معنی که او قصد کشتن خود را دارد و از این نظر با قاتل



دارای وحدت قصد است، اما در «عنصر مادی جرم» (عمل کشتن) مشارکتی نکرده و داخل در عملیات اجرایی جرم نمی‌شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۹۷).

۲-۱ انواع آتانازی

آتانازی دونهوع است که عبارتند از؛ آتانازی فعال و غیرفعال؛ انجام اقداماتی مانند تزریق آمپول مهلك كلريد پتاسيم وغيره به فرد بیمار تا او جان خود را از دست دهد، آتانازی فعال گفته می‌شود و آتانازی غیر فعال به معنای قطع مراحل دارو، درمان و عمل جراحی وغيره فرد بیمار است تا او به طور طبیعی جان خود را از دست دهد. همچنین دونهوع ديگر از انواع آتانازی، آتانازی داوطلبانه (اختیاری) غیرداوطلبانه (غیر اختیاری) و اجباری‌اند (حسینی طبیب، ۱۴۰۰ش، ص ۸۱). بر این اساس، آتانازی باتوجه به اشکال دخالت افراد در مرگ بیمار، به مستقیم و غیر مستقیم یا فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود.

الف) آتانازی فعال داوطلبانه: در این نوع از آتانازی فعال، بیمار در شرایطی است که آگاهانه می‌تواند نسبت به زندگی خود تصمیم‌گیری کند و خود خواهان پایان دادن به زندگی‌اش است.

ب) آتانازی فعال غیرداوطلبانه: در این حالت، بیمار شرایط اساسی و حقوقی لازم برای تصمیم‌گیری نسبت به زندگی و مرگ خود را ندارد. به طور مثال بیمار بیهوش است و یا این که هنوز به سن قانونی نرسیده است؛ در این حالت معمولاً پزشک، کمیته اخلاق پزشکی یا اولیای بیمار درباره ی مرگ بیمار تصمیم می‌گیرند.

پ) آتانازی غیرفعال داوطلبانه: در این نوع از آتانازی بیمار درمان خود را رد می‌کند تا در مرگش تسریع ایجاد شود. در این زمینه به خودکشی با مساعدت دیگران؛ اعم از پزشک و اطرافیان بیمار نیز می‌توان اشاره کرد. چرا که در این حالت نیز این افراد با آگاهی از قصد بیمار مبنی بر خودکشی، شرایط لازم برای تحقق آن را فراهم می‌کنند.

ت) آتانازی غیرفعال غیر داوطلبانه: این نوع از آتانازی، معمولاً در مورد بیمارانی به کار گرفته می‌شود که شرایط بسیار حادی دارند و پزشکان هم مطمئن هستند که درمان آنها امکان پذیر نیست، از این رو بدون رضایت بیمار درمان را قطع می‌کنند یا در صورت پیشرفت بیماری، درمانی را آغاز نمی‌کنند (توکلی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۳).

۲- میزان تأثیر رضایت مجنی علیه در آتانازی

شکی نیست که تحقق جنایت مستلزم وجود بزه‌دیده است. با وجود این، گاهی پیش می‌آید که بزه دیده به جهاتی خود، وقوع جرم را از قبل می‌پذیرد. در این جا موضوع «رضایت انسان» و مسائل جنبی آن از قبیل تعریف و ماهیت رضایت، حدود آن و تأثیر رضایت در انواع جرائم مطرح می‌شود، آیا بزه دیده حق دارد از دیگری بخواهد که به حیات وی پایان دهد یا بر او صدمه‌ای وارد سازد؟ در ذیل به تحلیل این قضیه خواهیم پرداخت.



۲-۱ نقش رضایت در قتل آتانازی

نقش رضایت در وقوع قتل به این شکل است که حق حیات یکی از حقوق اساسی انسان است، اما باید دید که اختیار انسان در این زمینه تا چه حد است. آیا می‌تواند به دست خود این حق را از بین ببرد و آیا می‌تواند از دیگران درخواست کند که او را بکشند یا صدمه‌ای به جسم وی وارد کنند؟ مهم‌ترین مصداق قتل با رضایت مجنی علیه، قتل از روی ترحم یا قتل بیماری که امیدی به بهبود آن نیست، می‌باشد. در دین اسلام عدم تأثیر رضا در ماهیت عملی که متوجه حیات مجنی علیه می‌باشد براین پایه استوار است که نفس انسان ودیعه‌ای است که از جانب پروردگار متعال در وجود او نهاده شده است و اصولاً انسان مالک نفس خود نیست تا بتواند آن را از خود سلب کند و به طریق اولی این اختیار را به دیگری تفویض نماید. به این دلیل، قتل نفس بنا به درخواست و اعلام رضایت مقتول جرم به شمار می‌رود و مرتکب این عمل مقصر و مسئول است. در واقع، هرکس باید ایمان پیدا کند که حیات ودیعه بلامدت و امانت الهی و نقطه عزیمت اعتلا و کمال آدمی است. خیانت در این امانت از نظر عقل، مذهب و اخلاق، جنایتی غیر قابل عفو است. شریعت الهی حقوق افراد را عطیه‌ای از جانب خدا درباره بنده خویش می‌شمارد و هرگونه تصرف و استفاده از این حقوق را که منافی شریعت و مقاصد شارع انجام گیرد، باطل به شمار می‌آورد. به همین دلیل است که خودکشی در عداد گناهان بزرگ قرار داده شده و مرتکب آن مستوجب عقاب دانسته شده است؛ زیرا حیات از جمله عطایایی است که خداوند در وجود افراد به ودیعه نهاده است و افراد بشر نمی‌توانند این حق را از خود سلب کنند. درباره احترام و حمایت از حق حیات و حرمت دماء، آیات عدیده‌ای در قرآن کریم وجود دارد و در تعالیم و ارشادهای پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز این موضوع مورد عنایت قرار گرفته است.

۲-۲ نظرات موافقان و مخالفان تأثیر رضایت در قتل آتانازی

در این قسمت از پژوهش قصد داریم نظر مخالفان و موافقان قتل از روی ترحم یا آتانازی به طور اختصار بیان نماییم.

۲-۲-۱ طرفداران و موافقان آتانازی

بحث «قتل از روی ترحم» گاهی از نظر عاطفی و انسانی موجب توجیه عمل می‌شود و همین امر موجب طرفداری عدّه زیادی از مردم و موافقت آنان با این نوع از قتل شده است. ریشه این چالش در وضعیت بیمارانی است که دردهای کشنده و غیرقابل تحمل و غیرقابل علاج دارند یا در وضعیت بی‌هوشی طولانی (کما) به سر می‌برند.

۲-۲-۲ مخالفان و منتقدان آتانازی

قتل از روی ترحم همواره دارای مخالفانی نیز می‌باشد. گروه عظیم مخالفان حق مردن و قتل ترحمی، بر حق زنده ماندن افراد به عنوان نشانه تقدیس زندگی پافشاری می‌کنند و معتقدند خودکشی از نظر اخلاق همان قدر ناپسند است که دیگرکشی



چنین می‌باشد و اساساً با هم تفاوتی ندارند (محمودیان، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶). نکته اصلی «رویکرد حق زنده ماندن» این است که کیفیت زندگی را به عنوان شاخص مرگ یا حیات عنوان کردن، خطر برپا شدن کوره‌های آدم‌سوزی را نه فقط برای بیماران دارای بیماری‌های غیرقابل علاج، بلکه برای معلولان جسمی و روانی، فقرا و طرد یا تحقیرشدگان جامعه نیز که زندگی‌شان کیفیت دلخواه و مطلوبی ندارد، افزایش می‌دهد. رواج قتل‌های ترحمی و اندیشه کیفیت حیات، زندگی این گونه گروهها را بی‌ارزش تلقی خواهد کرد و خاتمه دادن به آن را نه فقط توجیه‌پذیر می‌کند، بلکه حتی مرحمتی به آنها خواهد دانست. اگر این گونه افراد بی‌ارزش تلقی شوند، حتی اگر قانوناً هم مجبور به مردن نباشند، اما تحت فشارهای زیاد اجتماعی خود را سربار جامعه دانسته و لذا خود را خواهند کشت تا مرگ آنها، هزینه‌ها و درد و رنج‌های خانواده و جامعه را کاهش دهد.

۳- مبانی فقهی و حقوقی قتل از روی ترحم (آتانازی)

نگارنده در این قسمت بر مبانی تسلط بر نفس می‌پردازد، زیرا که این اصل مهم‌ترین اصل رضایت بر جنایت بر خود از طریق قتل از روی ترحم یا آتانازی می‌باشد.

۳-۱ مبانی حقوقی قتل از روی ترحم (آتانازی)

الف: اصل فردیت: «فردیت» به یک تعبیر بدین معناست که هر آدمیزاد دارای خلوت و حریم خصوصی فیزیکی و روانی، و عقیده فردی و دیگر حقوق اساسی است که در هر شرایطی می‌بایست محترم شمرده شوند. فردگرایان اعمال اهداف و خواسته‌های شخص را ترویج می‌کنند و بنابراین برای استقلال و اتکای به نفس ارزش قائل می‌شوند و از این دفاع می‌کنند که منافع فرد باید نسبت به حکومت یا یک گروه اجتماعی در اولویت باشد، و در عین حال با دخالت خارجی در امور شخصی توسط جامعه یا نهادهایی چون دولت مخالفت می‌کنند.

ب: حق داشتن زندگی خصوصی: حق خلوت یا به تعبیری، حق داشتن یک زندگی خصوصی، به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان، ارتباط عمیقی با حفظ شأن، کرامت، شخصیت، استقلال فردی، توسعه روابط شخصی، گسترش صمیمیت و امنیت روانی پایدار و حاکمیت بر احساسات و افکار و دیگر ارزش‌های مهم انسانی دارد.

ج: فایده گرایی: بنا به سودمندگرایی، اخلاقی‌ترین عمل، عملی است که «سودمندترین گزینه برای افراد اثرپذیر» باشد. فایده‌گرایان تنها معیار نهایی درباره صواب، خطا و الزام را سود می‌دانند و معتقدند غایت اخلاقی که باید در تمام اعمالمان به دنبال آن باشیم. از دیدگاه سودگرایان، درستی و نادرستی یک عمل یا رویه رفتاری را تنها سنجش و ارزیابی پیامدهای آن عمل تعیین می‌کند، و عملی درست و الزامی است که پیامدهای بهتر و پر بارتری را به بار آورد، البته مراد از پیامدهای بهتر، پیامدهایی است که حاوی و حامل بیشترین میزان سود باشد و به‌ایجاد بالاترین سود و خوشی کمک کند (پورحسین، ۱۳۸۷ش، ص ۱۲).



د: اصل عدم تجاوز: یک موضع اخلاقیست که اظهار می‌دارد تجاوز ذاتاً نامشروع است. حقوق مالکیت و عدم تجاوز به طور نزدیکی بهم پیوسته‌اند زیرا آنچه تجاوز است به حقوق فرد وابستگی دارد. بدین منظور، تجاوز آغاز یا تهدید خشونت علیه یک شخص یا مایملک مشروعاً در تملک دیگری تعریف می‌شود. از اصل عدم تجاوز برای دفاع از حق مالکیت خصوصی و همین‌طور در رد بازتوزیع ثروت استفاده می‌شود. چرا که بر اساس اصل عدم تجاوز فرد حق دارد با بدن خودش هرکاری که می‌خواهد بکند، تا زمانی که با آن کار به بدن یک فرد دیگر اعمال تجاوز نکند. بدین‌سان، همین شخص، همان‌گونه که می‌تواند از بدن خودش استفاده کند، از هر منبع محدود دیگری نیز می‌تواند استفاده کند، با این فرض که آن منابع محدود دیگر هنوز توسط فرد دیگری تصاحب نشده باشند و همچنان در یک وضعیت خنثی مانده و تحت مالکیت درنیامده باشند (هانس هرمان هپه، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

۲-۳ مبانی فقهی قتل از روی ترحم (آتانازی)

الف: قاعده سلطنت: یکی از قواعد مسلم فقهی که به دلایل مختلف نقلی مانند آیه «لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطلِ إلا أن تَکونَ تجارَه عن تراضٍ منکم» (نساء، آیه ۲۹) و روایاتی که به جواز هرگونه تصرف مالک در اموال خود دلالت دارند و نیز با استناد به بنای عقلا و سیره متشرعه اعتبار آن ثابت شده، قاعده سلطنت یا تسلیط است. مفاد این قاعده بیانگر آن است که هر مالکی بر مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند هر نوع تصرف مباح تکوینی یا تشریحی را در آن انجام دهد و هیچ کس نمی‌تواند بدون مجوز شرعی او را از این تصرفات منع کند. اطلاق قاعده مذکور همچنین نشان می‌دهد که سلامت یا بیماری متصرف نیز نمی‌تواند به جواز تصرفات مشروع او در دارایی اش خللی وارد سازد (شیخ طوسی، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۸۷). همان‌طور که در حدیث منقول از رسول الله (ص) صرفاً به تسلط بر اموال تصریح شده (الناس مسلطون علی اموالهم) و به موضوع سلطنت بر «نفس» اشاره‌ای نگردیده؛ ولی در بعضی از متون فقهی، واژه «و انفسهم» به «اموالهم» عطف گردیده است. ظاهراً علت این امر آن است که در چند آیه از قرآن مجید چنین عطفی وجود داشته است و نسخ و کاتبین متون مزبور به دلیل انس ذهنی به آیات مزبور، دچار چنین اشتباهی شده‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۴۹)؛ اما فقهای معاصر با اضافه کردن قاعده اولویت، تسلط بر نفس را استنتاج کرده‌اند. در کتاب مستمسک العروه الوثقی آمده است که انجام عبادات صبی مشروط به اذن والدین یا پدر نیست، چرا که چنین شرطی با اصل تسلط بر نفس که بنا بر قاعده اولویت از اصل تسلط بر اموال استفاده می‌گردد، مخالف است (کازمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۷).

ب: حلیت جان مسلمان با رضایت وی: از عبارات برخی بر می‌آید، که قطع و برداشت اعضای بدن انسان جایز است (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۶۱) و دلیل آن روایت نبوی (ص) «لا یحل دم امرئ مسلم ولا ماله الا بطیب نفسه» است



(کلینی، الکافی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۷۳). مستفاد از این حدیث این است، که در صورت رضایت، تصرف در مال و جان مسلمان جائز است. اجازه کاشف از رضایت است بنابراین تصرف در مال و جان مسلمان با اجازه او جائز می‌باشد. روشن است، که کلمه «دم» در این روایت به معنای لغوی خود نیامده است، چراکه خون به اعتبار این که خون است خصوصیتی ندارد، بلکه مقصود از آن جان مسلمان است. بنابراین، این روایت در مقام حلال شمردن تصرف در مال و جان دیگران است اگر با اجازه خودشان باشد. همان گونه که تصرف در مال دیگری با رضایت او جایز است، تصرف در جان او هم تنها با رضایت خودش جایز خواهد بود. چون وصیت به جداسازی اعضای بدن، کاشف از طیب و رضایت خاطر اوست، وصیت به آن پس از مرگ شخص جائز خواهد بود. از طرف دیگر، اگر تصرف در مال و جان دیگران با رضایت شان جایز باشد، تصرف در جان و مال خود به طریق اولی جایز خواهد بود. پس این وصیت، تصرفی است از صاحب حق در بدن خودش که البته جایز است (حیدری، ۱۳۹۷ش، ص ۴۲).

۴- قتل از روی ترحم (آتانازی) در حقوق جزایی ایران

در قوانین جزایی ایران، در ماده ۵۴ قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ در مبحث راجع به کیفیات استیفای قصاص در قتل عمدی رضایت مجنی‌علیه حتی بعد از وقوع جرم و قبل از مرگ فاقد اثر شناخته شده بود. مطابق این ماده با عفو مجنی‌علیه قبل از مرگ حق قصاص ساقط نمی‌شود و اولیای دم می‌توانند پس از مرگ او قصاص را مطالبه نمایند. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ مقنن در این خصوص تغییر عقیده داد و رضایت مجنی‌علیه را مؤثر در مقام دانست و مرتکب قتل را از مجازات معاف کرد؛ چنان‌که در ماده ۲۶۸ مقرر شده بود: چنانچه مجنی‌علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو نماید، حق قصاص ساقط می‌شود و اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند. در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی جدید نیز به نوعی از ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پیروی شده است. براساس این ماده مجنی‌علیه حتی در قتل می‌تواند پس از وقوع جنایت و قبل از مرگ، حق قصاص را به طور مجانی و یا غیرمجانی عفو کند و اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ او حسب مورد مطالبه قصاص نفس یا دیه کنند. بنابراین مطابق این ماده اگر مجنی‌علیه قتل (مقتول) پس از وقوع جنایت و قبل از مرگ، حق قصاص خود را به طور مجانی عفو کند، اولیای دم پس از مرگ او نه می‌توانند مطالبه قصاص کنند و نه مطالبه دیه؛ اما اگر مجنی‌علیه قاتل را به صورت غیرمجانی عفو کند، اولیای دم پس از مرگ او فقط می‌توانند مطالبه دیه کنند. بدین ترتیب، اگرچه براساس اصول کلی حقوق جزا رضایت مجنی‌علیه عامل توجیه‌کننده مرگ او محسوب نمی‌شود؛ اما مقنن جمهوری اسلامی ایران با وضع این مقررات، رضایت مجنی‌علیه را به صورت استثنایی پذیرفته و آن را موجب زوال کیفر قاتل دانسته است. قانون مجازات ۱۳۹۰ اثبات می‌کند که در میان انواع آتانازی فعال و غیرداوطلبانه با احراز شرایط قتل عمد به موجب بند الف ماده ۲۹۱ قانون مزبور مجازات قصاص را به همراه دارد. اما آتانازی فعال و داوطلبانه بر مبنای رضایت مجنی‌علیه قتل عمد نبوده و به موجب ماده ۳۶۶ مجازات کم‌تری نیز در پی خواهد داشت (آقوردی، ۱۳۹۴ش، ص ۴۲).



نتیجه‌گیری

آتانازی یا مرگ از روی ترحم یکی از مسائل بحث برانگیز پزشکی در محافل مذهبی و حقوقی دنیاست. آتانازی یا قتل از روی ترحم عبارت از نوعی قتل نفس است که با درخواست یا موافقت و رضایت مقتول (مجنی‌علیه) توسط قاتلی که دارای انگیزه رحم یا شفقت یا انسان دوستی است، انجام می‌گیرد. بنابراین در قتل از روی ترحم مقتول (مجنی‌علیه) قصد کشتن خود را دارد، اما عمل کشتن توسط فرد دیگری انجام می‌گیرد. آموزه‌های قرآنی و فقهی از جهات مختلف این عمل را مورد نهي قرار می‌دهند که از جمله آنها می‌توان از اهمیت فراوان حق حیات و حرمت جان انسانها در اسلام، حق انحصاری خداوند بر مرگ و زندگی آدمیان، معنادار بودن تحمل درد و رنج نام برد. حقوق ایران نیز آتانازی را به رسمیت نمی‌شناسد و مجازات قصاص نفس در مورد مرتکبان آن پیش‌بینی شده است. از دیگر موانع مشروعیت بخشی به آتانازی ملاحظات اخلاقی است. ایجاد تزلزل در حیات معلولان و ناتوانان جسمی، سوءاستفاده‌های احتمالی از آتانازی، زیر سؤال رفتن کرامت ذاتی انسانها و تعارض آن با رسالت ذاتی دانش پزشکی از جمله موانع اخلاقی در این زمینه است. افزون بر موارد فوق، نظام ارزشی حاکم بر جامعه ایران به دلایل مختلف هنوز آمادگی لازم جهت پذیرش آتانازی را ندارد و این امر به صورت یک خواست اجتماعی قوی در سطح جامعه مطرح نگردیده است. به نظر می‌رسد که در بین ضرورتها و موانع مشروعیت بخشی به آتانازی در ایران، موانع غالبند. مهمترین این موانع را باید ممنوعیت و حرمت این عمل در دین اسلام و پایگاه قوی دین اسلام در جامعه ایران از یکسو و ویژگی‌های خاص فرهنگ ایرانی و وابستگی‌های عاطفی میان اعضای خانواده از سوی دیگر دانست. ذکر این نکته ضروری است که بر مبنای نظام کیفری اسلام و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، در آتانازی غیرفعال غیر داوطلبانه عنوان "قتل" تحقق نمی‌یابد و بنابراین مستوجب قصاص نخواهد بود؛ لیکن از آنجا که پزشک، ترک "انقاذ نفس" نموده از باب ترک واجب، مرتکب حرام شده و تعزیر خواهد شد. در آتانازی غیرفعال داوطلبانه نیز حکم به همین صورت است مگر در مواردی همچون اعمال جراحی که فعل پزشک، مستلزم تصرف در جسم بیمار است. چرا که بر طبق فقه اسلامی و قوانین کیفری ایران در چنین مواردی رضایت بیمار شرط مشروعیت عمل دانسته شده است. بنابراین در صورتی که بیمار رضایت به آن نداشته باشد، پزشک حق ادامه یا اقدام به آن عمل را ندارد. لذا پزشک تصرف در جسم بیمار نیست و جوب انقاذ نفس بر پزشک باقی است و در صورت ترک درمان تعزیر خواهد شد.



منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۴ش)، حقوق کیفری، تهران: انتشارات سمت.
- آقوردی، علی، (۱۳۹۴ش)، موانع قصاص نفس در اسلام، پایان نامه دانشگاه شهید بهشتی.
- پور حسین، رضا، (۱۳۹۴)، فردگرایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- توکلی، غلام، (۱۳۹۱ش)، اتانازی و تفاوت میان فعل و ترک فعل، مجله تاریخ پزشکی، شماره ۳.
- جمعی از نویسندگان، (بی تا)، مجله فقه اهل بیت، قم: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حیدری، رمضان، (۱۳۹۷ش)، مطالعه تطبیقی تاثیر رضایت مجنی علیه در سقوط قصاص از نظر مشهورات مذاهب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۱ش)، لغتنامه دهخدا، تهران: چاپ سیروس.
- شیخ طوسی، ابی جعفر، (۱۴۰۸ق)، تهذیب الأحكام، قم: انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، محمد کاظم، (۱۴۱۲ق)، حاشیه بر مکاسب، قم: انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاظمی، محمد، (۱۴۱۴ق)، مستمسک العروه الوثقی، قم: انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۸ش)، قم: انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم.
- محمودیان، فواد، (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای دلایل موافقان و مخالفان اتانازی، مجله ایران.
- مکارم شیرازی، (۱۴۱۸ق)، ناصر، تفسیر نمونه، قم: انتشارات حوزه علمیه قم.
- میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۹ش)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات سمت.



The effect of consent in euthanasia

From the perspective of Iranian jurisprudence and criminal law

Abstract

Euthanasia, or euthanasia, means the act of killing, allowing to die, or assisting in the death of a person suffering from an incurable disease. In Persian language, the meanings of this title are "easy death", "easy death", "mercy murder", "mercy murder". There are two types of athanasia, which are; active and passive athanasia; Carrying out measures such as injecting a fatal potassium chloride ampoule, etc., to a sick person so that he dies, is called active euthanasia, and passive euthanasia means stopping the steps of medicine, treatment, and surgery, etc., so that he dies naturally. to lose The current research aims to achieve the effect of the consent of the victim in the fall of retribution from the point of view of the jurisprudence of Islamic religions, with a descriptive-analytical research method. To what extent does the consent of the victim and the statement of the victim's desire to commit a criminal act against him or the pardon of the perpetrator after the crime or after the realization of its result have an effect? The result of the research shows that from the religious point of view, due to the lack of ownership of one's own body and soul, and the extreme sanctity of killing one's self and others, both in terms of verses and traditions, as well as intellectually and morally, and the monopoly of deciding on the death and life of humans only For the essence of God and the inability of pain and suffering as a legal and moral license for death and departure from the natural path of death and the corruptions and abuses caused by athanasia, this work is forbidden, but although this consent is ineffective in removing the criminal description of the act of life But it can prevent the proof of retaliation.

Key words: the effect of consent, athanasia, death by pity, to death.